اسرار ماه ذي الحجه ( در نگاه عارفانه ميرزا جواد ملكي تبريزي )

حسن گيوه چي مفرد

چكيده

در قسمت نخست اين نوشتار، به بيان پاره‏اي از فضايل ماه ذي حجة الحرام، از نگاه مرحوم ميرزا جواد ملكي تبريزي(ره) پرداختيم و با تبيين آنچه اين عارف واصل اليالله‏ رسيده و بيان داشته، به شوق مشتاقان افزوديم.

در اين قسمت نيز ادامة آن را از كتاب شريف و نوراني «المراقبات» پي گرفته و به صورت گذرا به پايان برده‏ايم، بر علاقه‏مندان است كه براي بهره مندي بيشتر، نگاهي هم به متن كتاب داشته باشند.

مقدمه

در بخش نخست اين نوشته، از كتاب گرانسنگ و كم نظير «المراقبات» به بيان آداب ورود به ماه پر بركت ذي الحجه پرداختيم و برخي از برداشت‏هاي عارفانة عالم جليل القدر و واصل سالك، حضرت آيت الله ميرزا جواد ملكي تبريزي را بيان داشتیم و اکنون در اين قسمت، روحانيان ارجمند و زائران كوي دوست را، به توجه عرفاني اين عالم عامل به روزها و ايام ماه ذي الحجه و آداب باطني و معنوي آن جلب مي کنيم. اميد است گوشه‏اي از درياي ناپيدا كرانة عرفان و معنويت اين ماه پر ارج و گران بها نصيب ما گردد!

شب و روز عرفه

در عظمت و بزرگی شب عرفه كافي است بدانيم هر دعاي خيري در آن شب به اجابت مي‏رسد و هر كس آن شب را به طاعت خداوند بزرگ بگذراند، اجر صد و هفتاد سال نصيب او مي‏گردد!

شب عرفه، شب دعا و اجابت است و مناجات با خداوند بزرگ و نيز دعاهايي در آن شب وارد شده است كه محتواي آن ها نشان از عظمت آن شب دارد.

به عنوان نمونه دعاي معروف شب عرفه كه با جملة « اللَّهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَي »1 آغاز مي‏شود و به تعبير مؤلف ارجمند كتاب «المراقبات»:

«اين مناجات برخوردار از مضامين فاخر و ارزشمندي است كه به جان خودم سوگند، هر كس اهل آن باشد، در آن، علوم و معارفي را مي‏بيند كه سزاوار است عمري را در راه كسب و تحصيل آن ها صرف كند. شايسته است انسان با روحي زنده و دلي آگاه، آن ها را بخواند نه با جاني مرده و بي حال، و تفكر كند در اسماء و صفات و افعال خداوند كه دراين مناجات به آن ها پرداخته شده است.

اگر اندكي از حقايق اين مناجات براي تو كشف گردد و شرح صدري پيدا كني براي فهم برخي از مرادات گويندة آن، هر آينه اين ادعاي مرا تصديق خواهي كرد.» 2

سپس نويسندة محترم به برخي از خصوصيات اسماء الهي در اين مناجات و شرح مضامين آن مي‏پردازد و توجه مي‏دهد كه به اسرار اسماء الهي دقت شود كه در اين مناجات و ساير مناجات‏ها و دعاهاي ائمه آمده است.

از آداب ديگري كه در اين شب وارد شده، تسبيحات ده گانة پيامبرخدا(ص) 3 است كه دست يابي به حاجات عظيم را در پي خواهد داشت. زيارت حضرت ابا عبدالله‏ الحسين(ع) نيز در اين شب، از جايگاه بلندي برخوردار است.

مرحوم ميرزا جواد ملكي تبريزي معتقد است: اگر در روز عرفه، توان بر حضور در صحراي عرفات يا كربلا به وجود آيد، شايسته است فقط به دعا و مناجات صرف شود؛ زيرا اين روز تنها براي دعا نهاده شده و مراقبت بر آن، بسيار با اهميت است تا آنجا كه اگر روزه گرفتن در اين روز مانع دعا باشد، ترك شود با اين كه ثواب و اجر هفتاد سال را دارد.

در ادامه مرحوم تبريزي، به اين نكته مي‏پردازند كه حضور در عرفات كه طبيعي است به جهت ايام حج است و لكن حضور در كربلا و فضيلت آن به خاطر روايات فراوانی است كه در اين باره وجود دارد و اهل اطلاع با آن سر و كار دارد و ما تنها در اينجا به يادآوري يك روايت اكتفا مي‏كنيم:

شيخ صدوق از قول امام صادق(ع) نقل می‌کند:

« قَالَ أَبُو عَبْدِ الله (ع) : إِنَّ الله تَبَارَكَ وَ تَعَالَي يَتَجَلَّي لِزُوَّارِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع) قَبْلَ أَهْلِ عَرَفَاتٍ وَ يَقْضِي حَوَائِجَهُمْ وَ يَغْفِرُ ذُنُوبَهُمْ وَيُشَفِّعُهُمْ فِي مَسَائِلِهِمْ ثُمَّ يَأتِي أَهْلِ عَرَفَاتٍ فَيَفْعَلُ ذَلِكَ بِهِمْ »4

«حضرت صادق(ع) فرمود: خداوند تبارك و تعالي در روز عرفه، ابتدا براي زوار امام حسين(ع) متجلّي شده، حوائج و خواسته هاي آنان را برآورده مي‏سازد و گناهان آنان را مي‏بخشد و در درخواستهايشان با آنان همراهي مي‏كند، سپس به اهل عرفات مي‏پردازد و چنان مي‏كند كه براي زوار امام حسين(ع) انجام داده است.»

از آنجا كه مؤلف محترم، بعد از نقل چند روايت در فضيلت زيارت امام حسين(ع) در روز عرفه، به ويژگي هاي معنوي و آداب روحاني اين زيارت و نيز تأثيرات آن مي‏پردازد و از سودمندي اش براي زائران حريم كبريايي آن مي نويسد، علاقه‏مندان را به اين بخش از كتاب ارجاع مي‏دهيم تا آنگونه كه سزاوار است، بدان توجه كنند و زائران عارف روز عرفه امام حسين(ع) را تنبّه و آگاهي دهند.

به مناسبت شب و روز عرفه و استجابت دعا در آن، جناب ميرزا جواد ملكي، نكات سرنوشت ساز و تنبّه آفريني را دربارة دعا مطرح مي‏کنند كه ما در اين جا تنها به ياد كرد عناوين آن ها مي‏پردازيم:

1. گشايش درهاي دعا، كرامتي از جانب خداوند،

2. دعا باب گسترده و فراخي در برابر همة ابواب سعادت انسان،

3. نزديك‏ترين و آسان‏ترين راه رسيدن به ابواب ديگر،

4. دعا راهي براي رسيدن به خواسته‏هاي كلي و جزئي، دنيوي و اخروي و همة آروزها،

5 . دعا اقيانوسي است بي حد و پايان،

6. دعا سبك بارترين راه، براي رسيدن به مطلوب.5

ايشان سپس شرايطي را براي رسيدن به دعاي مطلوب و جايگاه واقعي دعا آورده اند كه بيان آن ها خالي از لطف و فايده نيست؛ زیرا دربارة استجابت دعاها، تا زمانی که شرایط آن مهیا نباشد، به نتیجة مطلوب نخواهد رسید و گاه موجب ناامیدی دعا کننده می‌شود. در حالی که اگر شرایط آن را فراهم نماید زودتر و بهتر به خواسته‌های خود خواهد رسید.

شرايط دعا:

1. تصحيح عقايد و شناخت انسان نسبت به خدا،

2. مهياسازي انسان از قبيل: گريه، ختم گرفتن، حمد و ثناي الهي، درود بر پيامبر و آلش، اقرار به گناهان و... براي جلب رحمت واسعه الهي،

3. مشاركت دادن ساير مؤمنان در دعاها،

4. دعا و مناجات با كلمات لطيف و مهربانانه در جهت جلب عطوفت و عنايت الهي،

5 . پايان دادن دعا به صلوات و جملة « مَا شَاءَ الله وَ لاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّه‏ »،

6 . مهيا ساختن وضعيت معنوي و قلبي؛ مانند ايجاد حقيقت ايمان در قلب نسبت به خدا و صفات او مانند: قدرت، علم، عنايت، جود، كرم و...

7. ايمان به اجابت دعا و تخلف ناپذيري وعدة الهي،

8 . ايجاد سكينه و وقار در ظاهر و باطن،

9. دعا همراه با نشاط و شادابي و اكتفا كردن به اندازة حال داشتن،

10. توجه به خداوند، با تمام وجود در حال دعا و دور كردن آنچه غير خداست از دل و جان،

11. صداقت در تكبير و تجليل الهي.

در نتيجه، اگر سرور و عشق و شوق در جان خود يافتي و حلاوت و شيريني دعا را درك كردي؛ بدان كه با صداقت به پيشگاه ذات احديت روي آوردي؛ و آنگاه است که خداوند رحمان و شاكر، به اين راستي و صفاي تو، توجه مي‏كند و تو را عظيم مي‏دارد!6

مرحلة ديگر دعاهاي روز عرفه، دعاي معروف و پربار امام حسين(ع) است كه از مضامين عالي و حقايق كم نظير برخوردار است و انسان را از دنياي رحم و پس از آن، به دنياي بزرگ و سپس به جهان غيب مي‏برد و وجود آدمي را سرشار از غيب و شهود جهان قرار مي‏دهد و نيز دعاي معروف امام سجاد(ع) در صحيفة سجادية نورانيه كه اقيانوس ناپيدا كرانة آن، دل هاي مشتاقان وصل را نشاط مي‏بخشد وهمراه وهمدل امام زين العابدين، حضرت سيد الساجدين(ع) قرار مي‏دهد.

مرحوم ميرزا جواد ملكي تبريزي(ره) ، در موارد مختلفي كه سخن از دعا و مناجات در اين كتاب پيش آمده، يادآوري اين نكته را لازم مي داند و بر آن تأكيد مي کند كه در حالات و ايام خاص و دعاهاي مخصوص، ديگران را فراموش نكنيد، به ويژه صاحبان حق و حقوق مانند: اساتيد، پدر و مادر، آباء و اجداد و ساير اقوام و بستگان و نيز بر مبالغه در دعا براي اينان پافشاري مي‏کند.

در اين باره جناب ميرزا جواد ملكي(ره) ، رهنمودهاي ديگري نيز بيان مي‏کنند؛ از جمله مي‏فرمايند: ابتدا مؤمنان را به يادآور و از آنان نام ببر و حوايج آنان را، يك به يك بخواه، سپس به صورت عمومي حوايج عامه را بيان دار؛ بدان كه تو در اين باره هيچ خسارتي نمي‏كني، بلكه سودمندترين تجارت‏ها را كرده‏اي؛ زيرا ديگران را بر خود مقدم داشتي و با زبان معصومان و زبان الهي، به جاي اكتفا به دعا براي يك نفر، دعاهاي فراواني كردي كه خود نيز قطعاً خواستار آن ها هستي.

در هر حال، مؤلف ارجمند، مباحث مربوط به دعا را با رواياتي ارزشمند همراه مي‏سازد و بر جوانب مختلف آن تأكيد مي‏ورزد كه خوانندگان گرامي را به مراجعه به اين اثر گران قيمت ارجاع مي‏دهم.7

عيد قربان

آيت الله‏ ميرزا جواد ملكي تبريزي(ره) ، در اين كتاب شريف، هرگز از هيچ مناسبتي غفلت نمي‏ورزد و هر كدام را به نحو شايسته و با وسواسي خاص وارد مي‏شود و جايگاه معنوي آن را به خوبي بيان مي‏کند و آداب و احكام سير و سلوكي موضوع را ياد آور مي شود.

وي دربارة شب و روز عيد قربان بدين صورت آغاز مي‏كند: بر مراقب است كه در ضمن طلب حوايج خود، از خداوند متعال طلب كند تا او را به اعمال عيد قربان موفق بدارد، به ويژه به نماز عيد و قبولي آن؛ و اهميت ابتدا و انتهاي روز را در نظر داشته باشد.8

وی آداب معنوي عيد قربان را با حديثي از امام صادق(ع) در اهميت آن آغاز مي کند:

«عَنِ الصَّادِقِ(ع) عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: كَانَ يُعْجِبُهُ أَنْ يُفَرِّغَ نَفْسَهُ أَرْبَعَ لَيَالٍ مِنَ السَّنَةِ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ رَجَبٍ وَ لَيْلَةَ النَّحْرِ وَ لَيْلَةَ الْفِطْرِ وَ لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ ».9

«امام صادق(ع) از قول پدرانشان ـ عليهم صلوات الله‏ ـ نقل مي‏كنند كه علي(ع) چهار شب در سال را با بزرگي و عظمت براي خداوند فارغ البال مي‏نهاده كه عبارت اند از: شب اوّل ماه رجب، شب عيد قربان، شب عيد فطر و شب نيمة شعبان.»

مرحوم ملكي تبريزي(ره) در بيان اين حديث مي‏فرمايند:

ممكن است منظور حضرت از اين تعبير، احياي اين چهار شب به عبادت و دعا باشد. و امير مؤمنان در اين شب‏ها به ذكر خدا مشغول مي‏شدند و خود را وقف طاعت و عبادت خدا مي‏كردند و حتي خود را به مباحات مشغول نمي‏داشتند، مگر با ياد و نام خدا و اين اوّل درجة مراقبت است.10

سپس به ساير آداب و اعمال عيد قربان مي‏پردازند كه در شب و روز آن، زيارت قبر امام حسين(ع) يكي از مستحبات آن است.

اما روز عيد قربان همانند عيد فطر، از ايامي است كه خداوند همگان را فراخوانده است براي بخشش گناهان، درمان عيوب و مشكلات، رفع حوائج و خواسته‏ها، رسيدن به آرزوها، اعطاي هديه‏ها و جوايز و امان از آتش.

اين چنين است كه بايد با اقبال به سوی پروردگار آن را غنيمت شمرد و از اين فرصت عظيم بهره‏مند گشت و با تمام وجود در پيشگاه خداوند حاضر شد تا از جود و كرم و احسان و عطايا و هداياي او بهرة تمام برد.

در ادامة آداب اين روز بزرگ، مؤلف ارجمند چند نكته را يادآور مي‏شود:

اوّل: توجه به زحماتي كه اولياي دين براي رساندن حقايق آن به دست ما كشيده‏اند و اكنون ما به راحتي به آن ها دسترسي داريم و از نعمت‏هاي فاخر الهي بهره‏مند مي‏گرديم.

دوم: از دست ندادن فرصتِ به دست آمده و آماده سازي نفس براي آينده، با تمسك به ريسمان محكم ايام عيد و حضور در ضيافت الله‏ عيد قربان، كه جايگاه كرامت الهي است.

سوم: فراهم ساختن رضايت الهي در اين روز بزرگ و رسم بندگي را به جاي آوردن با خدمت به مولاي كريم و دوري از غفلت و فراموشي از آن ذات بي همتا.

چهارم: بيداري از غفلت و روي آوري به سوي معبودِ غني و بي نياز، توجه به اين كه ميهمان خدا هستي، پس او را با يادش گرامي بدار و خود را مشغول دار به آنچه او مي‏پسندد. در اين مطلب تعقل كن و اين لطف عظيم و شرافت جليل را غنيمت شمار.

پنجم: بدان كه خداوند متعال، اين امت را عزيز شمرده است و آنان را به اموری مختص كرده است، پس شكرگزار اين لياقت و كرامت الهي باش.

ششم: همراه با غسل در ساعات اولية روز عيد، به تطهير قلب از غير خدا بپرداز و او را بزرگ دار. لباس نظيف بر تن كن و قصد نما با لباس تقوا خود را بيارايي و اخلاق نيكو را جمال و زيبايي خود كني.11

«بزرگترین كاري كه مرحوم ملكي در اين اثر ماندگار انجام داده است، روح بخشيدن به عبادت و دعاها و اعمال روز و ماه و سال است. وي خود را در اين امور به جايي رسانده كه از همة لحظه‌ها و اوراد بهرة كافي برده و در تلاش است تا به ديگران نيز منتقل نمايد.»

وي تنها به ميان اعمال و آداب ايّام خاص اكتفا نكرده و خويشتن را ملزم ساخته، آن ها را با روح معنويت و حيات بخشيدن به جان آدمي توأم نمايد و انسان عادي را به اشتياق درآورد و انسان مشتاق را در حد عشق بالا برد و انسان عاشق را شيداي معشوق گرداند.

تأكيد اين بزرگوار بر تعقّل و فهميدن در عبادات و اذكار و مناجات‏ها، بي شك انسان را به تأملي سرشار از عشق وا مي‏دارد. او خود را در صحنه‏اي لبريز از زيبايي و نشاط قرار مي‏دهد و دائماً گوشزد مي‏كند: « يَا أَيُّهَا المِسكِين، تَفَهّم، اعقَل، رَاقِب، أُنظُر و... »

يادآوري دعاهاي وارده در اين روز؛ از جمله دعاي ندبه و توجه به ولي الله‏ اعظم، حضرت حجة بن الحسن العسكري ـ روحي فداه ـ اندوهناكي از غيبت او و دوري ما از ایشان، در طول روز عيد مورد توجه است و نيز قرباني در اين روز، يكي ديگر از آداب عبوديت است كه خداوند از هابيل پذيرفت؛ زيرا:

« إِذْ قَرَّبا قُرْباناً فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِما وَ لَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الآخَر »12 و نتيجه‏اي براي هابيل و قابيل به دست آمد و آنان را در فراز و فرود زندگي قرار داد و شهادت را نصيب هابيل كرد و شقاوت را به قابيل بخشید.

برسالك است كه طعامش را از گوشت قرباني قرار دهد و سهمي را نيز به فقرا و سهمي به همسايگان اختصاص دهد. در پايان روز نيز مروري بر ساعات گذشته داشته باشد و با توسل و طلب رفع نواقص آن را به پايان ببرد.13

عيد غدير

و اما يوم الغدير و ما أدراك ما يوم الغدير! جمله آغازين مرحوم ملكي دربارة آداب و اعمال روز غدير، كه نشان از اهميت جايگاه آن نزد مؤلف دارد.

روز غدير مكمل مبعث پيامبر خدا(ص) است و به تعبير ايشان آخرین جزء علت تامّه است. باطن و حقيقت ظاهري است كه در بعثت ظهور كرد؛ زيرا آنچه از خيرات و سعادت‏ها و پيروزي كه در مبعث به دست آمده، مشروط به ولايت امير مؤمنان و ساير ائمه(هم) است و روز غدير، روز ظهور اين ولايت است. از اين رو نازل گشت: ( الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الإِسْلامَ دِينا ً).14 و پيامبر(ص) فرمود:

« لَوْ أَنَّ الرِّيَاضَ أَقْلا مٌ وَ الْبَحْرَ مِد َادٌ وَ الْجِنَّ حُسَّابٌ وَ الا ِنْسَ كُتَّابٌ مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع)».15

«اگر همة باغستان ها قلم و دریاها مرکب و جن‌ها حسابگر و انسان ها نویسنده شوند، نمی‌توانند فضیلت‌های امیرمؤمنان، علي بن ابي طالب(ع) را محاسبه کنند.»

سپس نويسندة ارجمند كتاب «المراقبات» به بيان فضايل و كمالات امير مؤمنان و خاندان عصمت و طهارت مي‏پردازد و به تفصيل اين موضوع را، با استناد به آيات و روايات فراواني از اهل سنت و شيعه تبيين مي‏کند. جالب است كه ميرزا جواد ملكي تبريزي(ره) ، در اين بحث عقيدتي و اساسي، براي بيان ديدگاه ولايي خود، به صحيفة ادريس، سخنان حضرت آدم، ابراهيم خليل الرحمان و تورات حضرت موسي و انجيل حضرت عيسي(هم) نیز استناد مي‏کند.

آنچه به تفصيل بيشتر بدان توجه كرده، ياد كرد مطالبي است كه از برخي شخصيت‏ها و كتب مشهور اهل سنت بيان شده است؛ مانند كتاب ابو سعيد مسعود بن ناصر السجستاني، ابن عقدة الحافظ، كتاب الخالص، كتاب النشر والطيّ و... كه برخي از اين كتابها به تفصيل داستان حجة الوداع و روز غدير را بيان داشته‏اند و به جزئيات آن به دقت پرداخته‏اند و مؤلف محترم از آن ها بهره برده و با استناد به اين كتاب‏ها، حق مطلب را به خوبي ادا كرده است.

در اين زمينه، خطبة معروف پيامبر(ص) را از كتاب «النشر والطّي» از حذيفه و ديگران نقل كرده و تمام ماجرا و عكس العمل برخي افراد را به تفصيل آورده است.16

وي سپس ضمن برشمردن فضايل شب و روز غدير، به بيان اعمال آن؛ از جمله دوازده ركعت نماز در شب عيد غدير و چگونگي انجام آن مي‏پردازد و دعاي آن شب را يادآور مي‏شود.

سالك الي الله‏ و عالم واصل مرحوم ميرزا جواد ملكي(ره) ، با نقل روايتي از امام رضا(ع) كه مستند به آباء طاهرين آن حضرت شده است، خطبه اميرمؤمنان علي(ع) را در آن روز نقل مي‏كند، كه اشاره به برخي نكات اين خطبه خالي از لطف نيست.

علي(ع) در اين خطبه، مردم را به مسائل فراواني سفارش مي‏كند؛ از جمله: توسعه در زندگي، نيكي به برادران، شكر نعمت‏هاي الهي، همدلي و وحدت مسلمانان، برّ و نيكي و ثمرات آن، بخشش و هديه به برادران و خانواده، گشاده رويي و سرور، برقراري تساوي بين ضعيفان، روزة روز عيد غدير و... .17

آن مقدار كه از اين خطبه در اين كتاب شريف نقل شده وكامل آن در كتاب هاي معتبر ديگر آمده است، نشان از توجه حضرت به همة افراد و همة مسائل جوانب خود دارد. بسياري از سفارش‏هاي حضرت به روابط خانوادگي و اجتماعي بر مي گردد و سپس به مسائلِ عبادي، و اين نشانگر اهميت اين موضوع و تأثير آن در روابط خانوادگي و اجتماعي است كه قوام جامعه به آن ها است.

دربارة غدير، مؤلف محترم به رواياتي استناد جسته است كه ما تنها به يك روايت بسنده مي‏كنيم:

«عَنِ الرِّضَا(ع) إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ زُفَّتْ أَرْبَعَةُ أَيَّامٍ إِلَي الله كَمَا تُزَفُّ الْعَرُوسُ إِلَي خِدْرِهَا، قِیلَ: مَا هَذِهِ الأَیَّام؟ قَالَ: یَومُ الْأَضْحَي وَ یَومُ الْفِطَرِ وَ یَومُ الْجُمُعَةِ وَ یَومُ الْغَدِير وَ إنَّ یَومُ الْغَدِير بَینَ الْأَضْحَي وَ الْفِطَرِ وَ الْجُمُعَةِ كَالْقَمَرِ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ، وَ هُوَ الیَومُ الَّذِی نَجَا فِیهَ إبرَاهِیم الخَلِیلِ (ع) مِنَ النَّارِ...»18

«امام رضا(ع) مي‏فرمايد: روز قيامت كه مي‏شود، چهار روز بر روزهاي ديگر برتري مي‏يابد و همچون عروسي جلوه گري مي‏کند. گفته شد: آن ها كدامند؟ فرمود: عيد قربان، عيد فطر، جمعه و روز غدير. لكن روز عيد غدير بين سه روز ديگر همچون ماه منير است بين ستارگان. آن روزي است كه ابراهيم خليل(ع) در آن روز نجات يافت. روزي است كه دين خدا در آن كامل گرديد؛ روز كمال، روز نا اميدي شيطان، روز قبولي اعمال، روز استغفار براي دوستداران امير مؤمنان و ائمه(هم) ، روز كرامت الهي و عفو، روز وسعت روزي، روز نجات از آتش، روز تبسم بر چهره مؤمنين، روز زينت و زيبايي، روز نزول ملائكه و... .»

مرحوم تبريزي، پس از نقل روايات، به اعمال ديگر اين روز از قبيل: استحباب زيارت علي(ع) و دو ركعت نماز و نيز ثواب و اجر اين نماز، غسل در اين روز، پوشيدن لباس هاي نظيف و خوش بو، مصافحه با مؤمنان و دعاي مخصوص اين روز اشاره مي‏كند.19

تلفيق زيبا و منحصر به فرد مرحوم ملكي تبريزي و بهره مندي ايشان از ايام و خصوصيات آنها، براي بيان مسائل اخلاقي و معنوي، بسيار خيره كننده و درس‏آموز است.

در اينجا نيز به مناسبت روز غدير و ديدار مؤمنان و عظمت دوستداران حضرت علي(ع) ، به سيره و روش و خصوصيات آن حضرت اشاره مي‏كند و سفارش مي‏نمايد كه اگر مي‏خواهيم سر بر آستان آن امام بزرگوار داشته باشيم بايد به او اقتدا كنيم در: كرامت، شجاعت، زهد، ترس از خدا، اميد، توكل، رضا، معرفت، تفكّر، صبر، سخاوت، تواضع، مهرباني و همه مسائل اخلاقي.

ایشان بار ديگر تأكيد مي‏كند كه سزاوار است به حكم عقل كه هر مؤمني در اين روز بر تمام فضيلت‏هاي اين روز بزرگ تكيه كند و بهرة كامل را با عمل به خصوصيات آن حضرت ببرد.20

روز مباهله

يكي ديگر از روزهاي با عظمت ماه ذي الحجه، روز بيست و چهارم ماه، روز مباهله است؛ زيرا در اين روز با اقدام پيامبر خدا(ص) ، رقيبان و مخالفان آن حضرت زمين گير شدند و ناچار به پرداخت جزيه گرديدند.

در اين روز بزرگ، اسلام به عزت ديگري دست يافت و پیامبر خدا(ص) همراه با جان خود و فرزندانش به محل مباهله رفت و دشمنان اسلام را به ذلت كشاند و منافقان را نا اميد كرد.

جناب ميرزا جواد ملكي تبريزي(ره) ، در اين بخش، به تفصيل داستان زندگی حضرت پيامبر اكرم(ص) را از ابتداي دعوت و سپس فتح مكه و مكاتبات آن حضرت را بيان مي‏كند و جمعي را كه به حضرت مي‏پيوندند و با بيانات و استدلال‏هاي پيامبر قانع مي‏شوند و در نهايت، آنها كه باقي مي‏مانند و به قبول مباهله تن مي‏دهند، مورد توجه قرار داده و برخي را نام مي‏برد كه از سران نصارا بودند و به اسلام پيوستند. آنگاه كه تجليل پيامبر را نسبت به حضرت عيسي مسيح(ع) و تصديق ايشان را دربارة انجيل ديدند، به سخن پيامبر(ص) ايمان آوردند؛ زيرا خود از آنچه در انجيل وعده داده، آگاهي داشتند و با سخنان آن حضرت، ايمان بيشتري يافتند و تسليم امر خداوند شدند.

سپس وي داستان مباهله و استقبال مردم را از اين امر بيان مي‏كند و به جزئيات آن اشاره مي‏نمايد. به نزول جبرئيل و دلگرمي پيامبر(ص) ، شكرگزاري پيامبر از اين دعوت و آنچه را كه در كتاب‏هاي مورد قبول اهل سنت نيز آمده است، بيان مي‏دارد.21

بعد از بيان واقعة عظيم مباهله و مقدمات آن و نيز نتايج ارزشمند آن براي اسلام و مسلمين، به روش خود خطاب به اهل سلوك و مراقبه مي‏فرمايد:

بر مراقب است كه حرمت اين روز و جايگاه آن را در اسلام و ايمان بشناسد.22

شرافت روز مباهله به ثبوت نبوت و ولايت است؛ زيرا اين دو مبناي اسلام و ايمان اند. بر انسان منصف است كه جايگاه اين روز بزرگ را درك كند و كرامت و منزلت آن را پاس دارد و بداند كه حركت پيامبر در اين روز، بر همة فضايل دنيوي و اخروي، برتري دارد؛ زيرا اين كار اسباب هدايت بشريت را فراهم كرد و به اسلام و مسلمانان عزت و عظمت بخشيد.

بر انسان فهيم و متفكر است كه در اين باره بينديشد كه اگر در آن روز، كفار شكست نمي‏خوردند، بر سر مسلمانان چه مي‏آمد و چه فاجعة عظيمي بر سر انسانیّت مي‏باريد و آنچه به دست آمد از تلاش و فداكاري مسلمانان همه از بين مي‏رفت و رشادت‏ها و سختي‏هاي فراوان آنان به فنا مي‏گراييد. پس بر انسان عاقل است كه سر بر سجده شكر بسايد و بر اين نعمت بزرگ خداي را شاكر باشد و عذرخواهي كند از ناتواني خود در قيام به حق و عدالت و درخواست توانمندي در قيام به حق را بنمايد.

در نتيجة اين تفكر و تأمل، به قدرشناسي از اولياي دين برخيزد و شكرگزار وجود آنان باشد و در نهايت، راضي به مخالفت با آنان و دستورات آن ها نشود و به حكم مروّت به احكام آنان گردن نهد. بدينسان عظمت روز مباهله را در نفس خويش كامل نمايد و در جهت حفظ جايگاه آن تلاش کند.23

سپس به اعمال روز مباهله اشاره مي‏كند و آنها را برمي شمارد و با استناد به كلام شیخ صدوق چنين مي‏گويد:

«اين روز را روزه بدار به جهت شكر خدا و غسل كن و لباس نظيف بپوش و آن را خوش‌بو گردان. در اين روز با آرامش و وقار باش و اگر مي‏تواني به يكي از مزارهاي شريفه برو و يا پا به صحرا بگذار و از منزل خارج شو. سپس به نماز بايست و تسبيح و حمد خداي را به جا آور. هفتاد مرتبه استغفار نما. پس از آن دست‏ها را به سوي آسمان بلند كن و دعاي مباهله را بخوان.24

مؤلف گران قدر، در ادامه به دعاي پيامبر(ص) در روز مباهله اشاره مي‏كند وبرخي از فقرات آن را توضيح مي‏دهد.25 دعاي اميرالمؤمنين نيز در اين روز، از دعاهاي مأثور و مورد توجه است.»26

نكتة ديگري كه مرحوم ملكي تبريزي به آن توجه داده، كرامت و شرافت ديگري براي اين روز است؛ زيرا در اين روز علي(ع) ، انگشتري خويش را در حال ركوع صدقه داده است.

سپس با اشاره به آيات 54 و 55 سورة مباركة مائده، به برخي فضائل و رشادت‏هاي حضرت امير(ع) اشاره مي‏كند، كه مورد اتفاق عامه و خاصه است.27

روز نزول سورة «هل أتي»

روز بيست و پنجم ماه ذي الحجه نيز از جايگاه بلندي برخوردار است؛ زيرا روز نزول سورة مباركه «هل أتي» است كه موجب كرامتي ديگر بر اهل بيت پيامبر (ص) گرديد. مؤلف نيز در اين باره به تفصيل وارد شده و با استناد به روايات فراوان و به تعبير ايشان مستفيضه، داستان آن را نقل مي‏كند. سپس به دوستداران سفارش مي‏كند كه شكرانة اين روز بزرگ را به جاي آورند و از تمام وجوه شكر؛ مانند روزه و صلوات و غير آن بهره ببرند و قدر آن را به خوبي بشناسند.28

خاتمه

در خاتمة اين فصل كه اختصاص به ماه ذي حجه دارد، ابتدا به روزهاي بيست و ششم و بيست و هشتم و بيست و نهم اشاره مي‏كند كه برخي دشمنان اسلام؛ از جمله مروان حمار به هلاكت مي‏رسند و سپس روز آخر ماه را با توضيح بيشتري وارد مي‏شود و اعمال آن را از دو رکعت نماز مخصوص و آداب آن بيان مي‏كند.29

در اين جايگاه جناب ميرزا جواد ملكي(ره) ، استحباب اين نماز را در آخر ماه ذي الحجه دليلي بر صحت روايات خاص دربارة مقام ماه ذي الحجه مي‏گيرد و دعاي اين روز را كه روز آخر سال قمري است، مناسب‏ترين راه علاج امراض و برآورده شدن حوائج مي‏داند و چنين مي‏فرمايد:

« فاحتفظ واغتنم واشكر ربّك ونبيّك وإمامك بما منّوا به عليك من الهداية إلي طرق النجاة، والوصول إلي أتمّ السعادات، ورفيع الدرجات... ».30

«پس حفظ كن و مغتنم بشمار و شكرگزار پروردگار و پيامبر و امامت باش، به خاطر همه نعمت‏هايي كه در راه هدايت به راه‏هاي نجات و پيروزي و رسيدن به سعادت كمال و درجات بلند و ارزشمند به تو عنايت كرده است.»

خداوندا! به ما و همة مشتاقان وصالت و عاشقان ديدارت، شناخت و معرفتت را روزي فرما و توفيق رسيدن به آن‏ها را به ما عنايت كن و ما را در راه رسيدن به جايگاه اولياي دينت استوار بدار! آمين يا ربّ العالمين.

پی نوشت ها:

1. اقبال الأعمال، سید بن طاووس، ج2، ص 50

2. المراقبات، ص 228

3. اقبال الاعمال، ج 2، ص 55 ـ 56

4. ثواب الأعمال، ص 116؛ مصباح المتهجد، ص 715

5. المراقبات، ص 231

6. همان، ص 231 ـ 232

7. همان، ص 231 ـ 236

8. همان، ص 238

9. همان، ص 238.

10. المراقبات، ص 238

11. همان، ص 239، 240

12. سوره مائده، آيه 27

13. المراقبات، ص 241 ـ 242

14. سوره مائده، آيه 3

15. بحار الانوار، ج 38، ص 197

16. المراقبات، ص 243 ـ 254

17. وسائل الشيعه، ج 10، ص 444

18. اقبال الاعمال، ج 2، ص 260 ـ 262

19. المراقبات، ص 260 ـ 261

20. همان، ص 261 ـ 262

21. همان، ص 263 ـ 270

22. همان، ص 270

23. همان، ص 271 ـ 272

24. همان، ص 272

25. اقبال الاعمال، ج 2، ص 354 ـ 359

26. همان، ص 359 ـ 368

27. المراقبات، ص 273 ـ 274

28. همان، 274 ـ 276

29. همان، ص 277 ـ 288

30. همان، ص 279